

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

آندری ملخوف - (Andrey Melekhov)

برگردان و متمم از: ا. م. شیری

۱۱ سپتمبر ۲۰۱۳

یهودیان امریکا او باما را به جنگ تشویق می کنند

زندگی چقدر دهشتناک است! به خصوص اگر یهودی ثروتمند امریکائی باشی. از یک سو، خواهان اندوختن هر چه بیشتر ثروت هستی. برای نیل به آن متناًوباً به جنگهای کوچک و ظفرمند امریکا نیاز داری. جنگها همچنین برای آن لازم هستند تا هیچ کس فراموش نکند که صاحب دنیا کیست. علاوه بر این، سرمایه یهودی تاب تحمل تولید اضافه، از جمله، تولید بیش از حد تسلیحات را ندارد. اما جنگها برای رهائی از شر تولیدات اضافی، در عین حال، برای نمایش قدرت، قبل از همه، در آنجاها که معادن سرشار نفت، گاز و دیگر مواد معدنی مفید وجود دارد، لازم هستند. خالی کردن ذخیره بمبها و «تاماهوک»های گرانقیمت بر سر بومیان، به خصوص، به سر آنهایی که منافع ملی امریکا را درک نمی کنند، محض خاطر سرمایه یهودی اشکالی ندارد.

از سوی دیگر، صدای خون، ندای دفاع از اسرائیل دائماً در ضمیر یهودیان می خروشد... برای این که به نحوی از انحاء معلوم شده، که ساکنان بومی نشسته بر روی معادن عظیم نفت و گاز، دولت‌هایشان را دوست ندارند. و همین که یهودیان امریکائی، صاحبان صنایع جنگی و امور مالی امریکا آتش جنگ بعدی را در خاورمیانه برمی افروزند، فوراً این فکر ساده به ذهن عرب خطور می کند: در حالی که سرزمین موعود تا این حد برای یهودیان امریکائی عزیز است، آیا اسرائیل ما را به حال خود رها خواهد کرد؟

وضعیت متناقضی پیش می آید: اسرائیل که در همه امور فقط به امریکا تکیه می کند، هر بار قربانی هوسبازیها و طمع هم قبیله ئی های امریکائی خود می گردد که دولت امریکا را به مثابه مدیر ابزار مالی جهانی خود می بینند. رویدادهای سوریه این مدعا را ثابت می کنند.

در کشور عربی همسایه بیش از دو سال است جنگ ادامه دارد، اما تاکنون این جنگ هیچ تهدیدی علیه امنیت اسرائیل ایجاد نکرده است. با وجود این، همین که واشنگتن تصمیم خود را مبنی بر مداخله نظامی به طرفداری از اسلامگرایان- دشمنان اسرائیل (عجب فکر بکری!) در آن اعلام کرد، بلافاصله شهروندان این کشور که با مزه تلخ ماجراجویی امریکائی آشنا هستند، به تهیه ماسکهای ضدگاز پرداختند، برای خودشان پناهگاه آماده کردند، درز پنجره ها را بستند و عملکرد آژیرهای هوشداردهنده را با احتمال حمله کیمیائی امتحان کردند.

کمیتة روابط اجتماعی امریکا- اسرائیل، که سازمانهای یهودی امریکا را در خود گرد آورده است، اعلام کرد: «کشور یهودی، یگانه متحد ما و تنها کشور جهان است که در میان شهروندان آن ماسکهای ضدگاز توزیع می شود».

و همه آنها برای حمایت از اسرائیل انجام می‌گیرد. می‌بینید، که کمیته روابط اجتماعی امریکا- اسرائیل چقدر نگران است. اما اگر یهودیان امریکائی با «تاماهوکه‌های» خود تحت بهانه سر و سامان دادن به مناقشه ای که خودشان دامن زده اند، در کار دیگران دخالت نکنند، یهودیان اسرائیل مجبور نخواهند شد عطر ادویه شرقی را از طریق صافی ماسک ضدگاز استنشاق کنند.

متناقض ترین وضعیت این است، که اسرائیلیها می‌توانند قربانی کاربرد سلاح کیمیائی بشوند، منتها نه از سوی ارتش سوریه (این احتمال وجود ندارد، که رهبری سوریه می‌خواهد به اتهام جنایت علیه بشریت در مقابل دادگاه بین المللی قرار گیرد)، بلکه، از سوی اسلامگرایان متحد امریکا.

تصور اوضاع مساعدتر از این برای اسلامگرایان تندرو که با دعوت امریکا برای «برقراری دموکراسی» در سوریه جمع شده اند، حتی دشوار است. آنها با شلیک دو موشک حاوی زارین به اسرائیل، از یک سو، شرایطی فراهم می‌آورند تا غرب ضرورت سرنگونی حاکمیت قانونی سوریه از راه مداخله نظامی را مدلل سازد و از سوی دیگر، با نمایش اجساد نیمه جان و متشنج یهودیان منفور آنها در لحظات آخر زندگی از صفحات تلویزیونی، همدردی جهانی را برانگیزند.

آیا در اسرائیل این واقعیت را درک می‌کنند؟ چگونه! همانطور که دو کارشناس نامدار انستیتوی تحقیقات امنیت ملی اسرائیل، **آموس یادلین** و **آوئر گولوف** می‌نویسند، خطر عمده عبارت از این است، که تجاوز امریکا به سوریه می‌تواند «عواقب غیرمنتظره ای داشت باشد، که احتمال می‌رود به گسترش عرصه جنگ و طولانی شدن مدت عملیات جنگی منجر شود. به عنوان مثال، حمله نظامی علیه رژیم اسد ممکن است باعث تقویت نیروهای جهادی بشود».

جالب است! نظامیان امریکائی از دو سال پیش تا کنون در این باره هوشدار می‌دهند و واشنگتن هم چین و روسیه را مزاحم اصلی سیاستهای امریکا در خاورمیانه می‌داند. اما همه بیهوده است.

چنین تصویری ایجاد می‌شود، که اداره کنندگان «تنها ابرقدرت جهانی» خشمگین شده اند و هیچ کسی نمی‌تواند حداقل با سلاحهای متعارف جلو آنها را بگیرد. تنها سلاح هسته‌ئی می‌تواند مانع در غلتیدن نهائی بازهای امریکائی در عمق دیوانگی بشود. به همین سبب هم برنامه هسته‌ئی ایران واشنگتن را ناراحت می‌کند. به همین سبب هم کمیته روابط اجتماعی امریکا- اسرائیل اوپاما را به جنگ تشویق می‌کند.

کمیته روابط اجتماعی امریکا- اسرائیل به کاخ سفید پیام می‌دهد: «استفاده رژیم اسد از سلاح کیمیائی، خطر وجود تسلیحات کشتار جمعی در دست خطرناکترین دولتها را تأیید می‌کند. به همین دلیل هم اسرائیل شهروندان خود را در مقابل حمله کیمیائی سوریه آماده می‌کند. اگر ایران فعالانه از اسد پشتیبانی می‌کند، امریکا موظف است عواقب فاجعه بالقوه دستیابی این کشور به سلاح اتمی را در نظر بگیرد».

بدین ترتیب، وقتی که صحبت سوریه در میان است، آیا ممکن است هدف اصلی «یهودی ثروتمند امریکا» هم در همین نکته نهفته باشد؟ آیا ثروتهای طبیعی ایران، قرار و آرام امریکائی‌های تحریک شده علیه این کشور را نروده است؟

سپس گذرگاهی پیدا می‌شود، که در آن «فریاد دعوت کمیته روابط اجتماعی امریکا- اسرائیل» از بارک اوپاما برای وارد آوردن ضربه به سوریه قبل از دست یابی ایران به سلاح اتمی شنیده می‌شود. چنان ضربه ای که، درس بزرگی برای پارسها باشد. آنها می‌گویند، تلاشها برای محافظت از خود در مقابل هجوم امریکا به همان نتیجه، به اشغال منجر می‌شود. انگار اگر ایران به سلاح اتمی مسلح نشود، امریکا سر عقل خواهد آمد و در جای خود ساکت و آرام خواهد نشست. اما سرنوشت عراق خلاف آن را ثابت می‌کند.

جهان در هرج و مرج غرق می شود و علت آن نیز وجود هرج و مرج ناشی از تلاشها برای سلطه بر جهان در سر خالی شده از عقل نخبگان اداره کننده آمریکا می باشد. یک روز برای غلبه بر اتحاد شوروی اسلامگرایان را در افغانستان پرورش می دهد، روز دیگر، عامدانه به سوگ برجهای دو قلوی منفجر شده به دست جهادگرایان در نیویورک می نشیند. زمانی در مصر «اخوان المسلمین» را به حاکمیت می رساند، زمانی دیگر آنها را با کودتای نظامی از حاکمیت ساقط می کند. اکنون که واشنگتن اسلامگرایان را علیه سوریه بسیج کرده است، خود نمی داند اگر «متحدانش» در آنجا به زارین جنگی دست بیابند، که اسرائیلی ها، اروپائیها و خود امریکائیها را هم مسموم خواهد کرد، چه کار باید بکند.

آیا واشنگتن می داند، که سیاستهای امپریالیستی ایالات متحده سایر ملتها را برای حفاظت از خود در مقابل هجوم آمریکا با هر وسیله ممکن، به ساخت و کاربرد تسلیحات امحاء جمعی وامی دارد؟ آیا می داند، که فقط سیاستهای آمریکا باعث شکست «تنظیم مجدد» مناسبات با روسیه گردید؟ آیا می تواند درک نماید، که رشد تضادها بین چین و آمریکا حاصل و پیامد تغییر رقابت اقتصادی معمولی بین دو کشور به سطح رقابت نظامی-سیاسی می باشد؟

آمریکا سایر کشورها را به توسعه تسلیحات و اتحاد عمل برای حفظ فاصله از جنون آمریکا وادار می کند. اما آنها در این کار چقدر موفق بوده اند؟ آیا چنین به نظر نمی رسد، که دیر یا زود واشنگتن از خطی عبور می کند، که پس از آن امکانات دیپلوماسی خاتمه یافته تلقی می شود؟

حالا که این اتفاق نیفتاده است، به امریکائی ها باید گفت: شما جلو «برنده جایزه صلح نوبل»تان را بگیرید! آیا در کشور شما مشکلاتی مهمتر از «دمکراسی» در خاورمیانه وجود ندارد، که رئیس جمهور منتخب شما باید به فکر حل آنها باشد؟ به خصوص این که او می خواهد آتش این جنگ را به کمک گروههای «القاعده»، «اخوان المسلمین» و سایر جنگجویان جهادی پرورش یافته با پول مالیات دهندگان امریکائی برافروزد. لازم است از امریکائیها پرسیده شود: اگر شما برای غصب ثروتهای طبیعی مردم ایران کوشش نمی کنید، ایران هسته ئی یا غیر هسته ئی چه ربطی به شما دارد؟ در حالی که غیر از همان اسلامگرایان سوریه، که رئیس جمهور شما، بارک اوباما با پول بودجه آمریکا آنها را پرورش می دهد، هیچ کس امنیت اسرائیل را تهدید نمی کند، شما چه کار به امنیت اسرائیل دارید؟

بیدار شو، آمریکا! هنوز دیر نیست!

متمم مترجم

در طول دو-سه دهه اخیر، به موازات تغییرات بسیار گسترده در جغرافیای سیاسی جهان، ناتوی رسانه ئی موفق شده است تغییرات بسیار جدی در ادبیات سیاسی، در مفاهیم و تعاریف مقولات و پدیده ها به وجود آورد. ناتوی رسانه ئی همچنین، در به فراموشی سپردن آمران و مجریان جنایات علیه بشریت، در رأس آنها، جریانهای مخوف فراماسونری و صهیونیستی بسیار موفق عمل کرده است.

این واقعیت، که چگونه دولت آمریکا، دولت حاکم این سرزمین غصبی به ژاندارم بین المللی تبدیل شد، بی تردید، با سازمانهای فراماسونری و دولت مخفی صهیونیستی رابطه مستقیم داشته است. یعنی فلسفه وجودی کشور نامشروع آمریکا درست به مهاجرت همین جریانها و اسکان آنها در سرزمینهای آباء و اجدادی سرخپوستان بستگی دارد و همه جنایاتی را که دولتهای مختلف آن در طول تاریخ مرتکب شده اند، طبیعتاً، به دستور و خواست آنها صورت گرفته است.

عملکرد فوق فاشیستی همه دولت‌های امریکا از بدو پیدایش (چه دمکرات و چه جمهوریخواه)، جای شکی باقی نمی‌گذارد، که هیچ کدام از آنها چیزی جز دست‌افزار و خدمتکار گوش به فرمان «تشکیلات فراماسونری و دولت مخفی صهیونیستی» نبوده و نیستند. این واقعیت را دیروز جنگ‌ها و کودتاهای نظامی متعدد در اغلب کشورهای و علیه همه خلق‌های جهان، از نابودی نسل سرخپوستان اتازونی گرفته تا تخریب سوسیالیسم و تجزیه اتحاد شوروی، جنگ‌های استعماری علیه یوگسلاوی، افغانستان، سومالی، عراق، لیبیا و کشورهای بسیار دیگر در طول کمی بیش از دو دهه اخیر، و امروز، جنگ تروریستی- استعماری علیه سوریه، تهدیدات دائمی علیه ایران تحت بهانه‌های «نگرانی از برنامه هسته‌ای ایران»، درست در زمانی که «**دارنده جایزه صلح نوبل**»، این خدمتکار محبوب باندهای مافیائی حاکم بر امریکا، سوریه را با حمله نظامی ویرانگرانه و ایران را به بمباران اتمی تهدید می‌کند^(*)، به طور واضح و آشکار ثابت می‌کنند.

تشکیل حاکمیت‌های وابسته و گوش به فرمان در مستعمرات یکی از مهمترین ابزارها برای اعمال سلطه و هژمونی استعمارگران در مستعمرات جدید بوده و هست که با دست بردن به روش‌های مختلف مانند کودتای نظامی (ایران، اندونزی، چیلی و دهها کشور دیگر جهان، به ویژه، کشورهای امریکا جنوبی و لاتین)، ایجاد پایگاه‌های نظامی و جنگ‌های استعماری (جاپان، کوریای جنوبی، کامبوج، یوگسلاوی، افغانستان، عراق، لیبیا، ساحل عاج، مالی و بسیاری دیگر) و یا با جوسازی، تبلیغات، صرف هزینه‌های گزاف و بالاخره، ایجاد نیروی فشار و تخریب از درون (اتحاد شوروی و همه کشورهای اروپای شرقی و همچنین، کشورهایمانند ترکیه، کلمبیا، فیلیپین، تایلند، و سایر کشورها) به مرحله اجرا گذاشت.

در حالی که استعمار کهن تا سالهای ۱۹۶۰-۱۹۷۰ قرن گذشته میلادی با سمبل و نشانه آسیاب بادی (مولن روژ) به موجودیت خود ادامه می‌داد، امروز همان دول استعمارگر، به خصوص، استعمارگران انگلوساکسونی، برای اعمال سلطه خود در مستعمرات جدید، آن را با شعارهای اغواگرانه «دمکراسی»، «حقوق بشر» و «جنگ‌های بشردوستانه» عوض کرده‌اند. همه آنچه را که امروز در سوریه، مصر و غیره اتفاق می‌افتد و در ایران نیز در حال شکل‌گیری و زایش است، در همان چهارچوب جنایات «دولت مخفی جهانی» قابل بررسی و ارزیابی می‌باشد.

(*) - به گزارش بنگاه خبرپراکنی بی بی سی (۱۴ نومبر ۲۰۰۹)، بارک اوباما، رئیس جمهور امریکا در جریان سفر هشت روزه آسیائی خود، که برای شرکت در اجلاس سران ۲۱ کشور عضو «آپک» (سازمان همکاری اقتصادی کشورهای آسیا و حوزه اقیانوس آرام)، به سنگاپور سفر کرده است، در این «کشور» گفت: «**امریکا آماده است برای تأمین امنیت این منطقه آسیا، از قدرت بازدارندگی اتمی خود استفاده کند!**» وی، همچنین این موضوع را مورد تأکید قرار داد، که «**امریکا از تسلیحات اتمی ایران و کوریای شمالی نمی‌ترسد!**»...

<http://www.fondsk.ru/news/2013/08/31/amerikanskie-evrei-podtalkivajut-obamu-k-vojne-22483.html>

۱۹ شهریور - سنبله ۱۳۹۲